

گروه های ارتجاعی اسلامی تمسک و وسیله در پیشبرد اهداف غارتگرانه قدرتهای امپریالیستی ودولتهای ارتجاعی اند.

گروه های ارتجاعی اسلامی "سلفی" در بهار سال گذشته کنترل شمال کشور مالی را در دست گرفتند تا با سقوط دولت مالی شریعت اسلام را در این کشور پیاده کنند. بتاريخ (12) جنوری (2013) نیروهای جنگی این گروه ها فعالیت های نظامی خود را بطرف جنوب مالی گسترش دادند تا به پایتخت کشور مالی حمله کنند. امپریالیسم فرانسه به بهانه "حمایت" از دولت مالی به این کشور نیروی نظامی فرستاد ودولتهای انگلستان و امریکا نیز وعده کمک های نظامی واستخباراتی دادند. بتاريخ (15) جنوری شورای امنیت ملل متحد حمایت اشرا از مداخله نظامی به رهبری دولت فرانسه در کشور مالی ابراز کرد. بعد از سقوط شهر "کوننا" بدست شورشیان دولت فرانسه وارد عمل شد. نیروی هوایی فرانسه برای مدت سه روز مواضع شورشیان را بمب باران کرد وبعد نیروهای زمینی فرانسه با تانک وتوپ وارد عمل شدند وارتنش فرانسه از پیشروی شورشیان به پایتخت مالی (باماگو) جلوگیری کرد. در همان روز کشورهای عضو اتحادیه افریقا از جمله نیجریه، غنا، سنیگال، توگو، بونین، بورکینافاسو وچاد متعهد شدند تا برای کمک به دولت مالی به آن کشور عسکر بفرستند وشورشیان "سلفی" مرتبط به القاعده را از این کشور بیرون کنند. بتاريخ 16 جنوری دولت مالی اعلام کرد که نیروهای "سلفی" از شهر "کوننا" بیرون رانده شده اند وارتنش مالی کنترل شهر را بدست گرفته است. کشور مالی در غرب قاره افریقا واقع است و(15) میلیون جمعیت دارد وتا سال 1960 مستعمره فرانسه بود. این کشور دارای منابع غنی طلا، اورانیوم ونمک است. وامپریالیسم فرانسه قصد دارد تابار دیگر کشور مالی را تحت تسلط استعماری اش در آورد. تاکنون در نتیجه جنگ بین دولت مالی وگروه های اسلام گرای سلفی هزاران تن کشته وزخمی شده وحدود(150) هزار نفر به کشورهای همسایه الجزایر، نیجر، موریتانیا، بورکینا، بونین وکشورهای دیگر فرار کرده اند.

با مداخلات قدرتهای امپریالیستی عمدتاً امریکا، انگلستان وفرانسه در جنبشهای آزادی خواهانه توده های خلق در کشورهای عربی در شمال افریقا وشرق میانه چون تونس، مصر، لیبی، یمن وسوریه وتحمیل گروه های ارتجاعی اسلامی اخوان المسلمین، وهابی، سلفی و دیگران بر این جنبشها وتشکیل دولتهای اسلامی در تونس، مصر و لیبی تحت رهبری این گروه ها وتسلط گسترده این گروه ها در یمن

و همچنین بسیج و سازماندهی همین گروه های اسلامی در جنگ داخلی سوریه و اقدام اخیر امپریالیسم فرانسه با کمک و حمایت قدرتهای امپریالیستی انگلستان و آمریکا بآن در حمله نظامی به کشور مالی و اشغال این کشور؛ بیش از پیش ثابت شد که گروه های ارتجاعی اسلامی چون اخوان المسلمین، القاعده، سلفیها و دیگران وسیله ای اند برای مداخله بر سر نوشت سیاسی خلقهای تحت ستم در کشورهای اسلامی و یا تمسکی اند برای مداخلات نظامی و تسلط استعماری بر این کشورها.

بعد از حملات "تروریستی" بر برجهای مرکز تجارت جهانی و پنتاگون بتاريخ 11 سپتمبر سال 2001 که گروه القاعده به آن متهم شد، امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در ناتو زیر نام "جنگ جهانی علیه تروریسم اسلامی" به افغانستان لشکرکشی کردند و هزاران تن از مردم مظلوم و بی گناه مارا وحشیانه بقتل رساندند. دوازده سال است که افغانستان توسط ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و "ناتو" اشغال نظامی شده و زیر تسلط استعماری آنها قرار دارد و طی این مدت چند ده هزار تن از مردم مظلوم مارا بقتل رسانده اند. و کشتار مردم مظلوم افغانستان توسط ارتشهای متجاوز و شغالگر امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولت دست نشانده آنها، بنام "جنگ علیه القاعده و طالبان" تا امروز ادامه دارد.

ملاحظه نمایید که چگونه 33 سال قبل امپریالیسم آمریکا و متحدین آن گروه های ارتجاعی اسلامی القاعده و طالبان را در شرایط جنگ مقاومت مردم افغانستان علیه ابر قدرت سوسیال امپریالیستی روسی و دولت مزدور خلقی پرچمی ها انسجام بخشیدند و با کمکهای تسلیحاتی و مالی و تربیت نظامی، ارتش (60) هزار نفری از گروه های القاعده را تشکیل داده و علیه حریف روسی شان گماردند. یا بقول خودشان از این گروه ها در "شکست کمونیسم" استفاده کردند. لیکن بعد از فروپاشی نظام سوسیال امپریالیستی و "بلوک شرق" که دیگر عمر امپراتوری رقیب به پایان رسیده بود و ظاهرأ استفاده از گروه های ارتجاعی اسلامی در اهداف بین المللی آمریکا و متحدین غربی آن ضرورت عاجل محسوب نمی شد؛ لذا این گروه ها تاحدی با اصطلاح از چشم دولت آمریکا و متحدین آن افتادند. از آنجاییکه این گروه ها بر اساس همان کارنامه "جهاد" آنها علیه سوسیال امپریالیسم "شوروی" در افغانستان، در کشورهای خودشان و در کشورهای مختلف اسلامی تا حدی از حمایت بخشهای از این جوامع برخوردار بودند؛ لذا در جهت تحقق آرمانها و اهداف شان، یعنی تشکیل دولت "عدل اسلامی" به شیوه صدر اسلام، فعالیتهای شان را در عرصه تبلیغ و ترویج "نظام شریعت اسلام" و مبارزه نظامی را به شکل عملیات انتحاری و ترور توسعه دادند. گروه های مختلف اسلامی بنام "القاعده" که تحت رهبری اسامه بن لادن و ایمن الظواهری و دیگران متشکل شده بودند، مشاهده می کردند که دولتهای کشورهای شان از جمله نوکران گوش بفرمان امپریالیستهای امریکائی و اروپائی اند و هر روز بر نفوذ غرب در کشورهای شان افزوده می شود؛ لذا در برابر تسلط بی چون و چرای آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی بر کشورهای شان به مخالفت برخاسته و در مناطق مختلف جهان منافع آمریکا و غرب را مورد تهدید و حمله قرار دادند که

حمله به مجتمع سفارتخانه های امریکا در تانزانیا (نایروبی) و کینیا (دارالسلام) در سال 1998 که تلفات سنگین بیارآورد (230 تن کشته و حدود پنج هزارتن به شدت مجروح شدند) و همچنین انفجار کشتی بزرگ جنگی امریکا بنام "یو.اس.اس کول" در بندر عدن در سال 2000 که به گروه القاعده نسبت داده شد. بعد از آن دولت امریکا و متحدین آن برخلاف گذشته که این گروه هارا "مجاهد راه آزادی" لقب داده بود؛ آنها را "تروریست" خوانده و تحت تعقیب قرار دادند و برای سر رهبران آنها خاصاً اسامه بن لادن جوایز نقدی چند میلیون دلاری تعیین نمودند.

بانگاهی مختصر به تاریخ پنج دهه اخیر: گروه ارتجاعی "اخوان المسلمین" در دوران دهه چهل خورشیدی در افغانستان به خدمت طبقات حاکم فئودال و کمپرادور در رأس آن نظام سلطنت ظاهر شاه وابسته به امپریالیستهای غربی و سوسیال امپریالیسم شوروی، قرارداد داشت و حملات جنایتکارانه را علیه فعالین جنبش دموکراتیک نوین انجام داد و یکی از فرزندان مبارز خلق افغانستان (سیدال سخندان) توسط گلب الدین قاتل و جانی بقتل رسید. بعد از کودتای ننگین ثور سال 1357 خورشیدی و به تعقیب آن تهاجم نظامی سوسیال امپریالیسم روسی در ماه جدی سال 1358، گروه های ارتجاعی اسلامی مختلف زیر نام "جهاد" علیه دولت خلقی پرچمی ها و اشغالگران روسی به خدمت اهداف دولتهای ارتجاعی پاکستان، عربستان و ایران و امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولت ارتجاعی چین قرار گرفتند و بر ضد منافع کشور و خلق عمل کردند. این گروه های مزدور هولناک ترین جنایات را در جریان جنگ علیه خلق و کشور به دستور بیگانگان انجام دادند. این آدمکشان خود فروخته در جبهات جنگ ده ها روشنفکر مردمی منسوب به جریان دموکراتیک نوین و دیگر افراد آزادی خواه و میهن دوست را وحشیانه بقتل رساندند. در موارد زیادی با ارتش و دستگاه خاد دولت مزدور و اشغالگران روسی متحده شده و علیه جبهات نیروهای جنبش دموکراتیک نوین حمله می کردند. گروه اسلامی خاصاً جناح افراطی "اخوان" و علی الخصوص حزب اسلامی گلب الدین ده ها تن از منسوبین جریان دموکراتیک نوین و دیگر افراد میهن دوست را با کمک و همکاری "آی اس آی" دولت پاکستان و یا سپاه دولت اسلامی ایران کشتند. دولت اسلامی که متشکل از گروه های جهادی و ملیشه ای و خلقی پرچمیها بود تحت سلطه مستقیم دولت پاکستان به نیابت از امپریالیستهای غربی قرارداد داشت. امارت اسلامی طالبان نیز به دستور دولتهای امریکا و انگلستان و عربستان تشکیل گردید و تحت قیمومیت مستقیم دولت پاکستان بود. همه گروه های اسلامی از جهادی و طالبی طی یکدهه حاکمیت ننگین شان شنیع ترین جنایات و اجحافات را علیه خلق کشور انجام دادند. با آغاز تهاجم نظامی امریکائونانو تاریخ (7) اکتوبر (2001) گروه های اسلامی جمعیت و شورای نظار، حزب وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی سیاف با ملیشه های مزدور روسی چون سگهای شکاری راه بلد پیشاپیش ارتشهای اشغالگردویدند و علیه استقلال کشور و آزادی و حاکمیت ملی خلق خیانت و جنایت کردند. همچنین بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان توسط ارتشهای امریکا و ناتو و تشکیل دولت

دست نشانده به رهبری کرزی مزدور همه گروه های اسلامی به شمول ملیشه های مزدور روسی و گروه های خلقی پرچمی ها و سازانیهای مزدور و گروه وطن فروش "افغان ملت" در دولت دست نشانده به جاه و مقام رسیدند و دوازده سال است که در جهت تأمین منافع غارتگرانه امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و ناتو علیه خلق و کشور جنایت و خیانت می کنند. در جناح دیگر گروه طالبان ، حقانی و حزب اسلامی گلب الدین در جهت تحقق منافع دولت پاکستان در افغانستان و منطقه زیر نام "جهاد" علیه ارتشهای اشغالگر به کشتار مردم و تخریب کشور مشغول اند. به همین ترتیب نه تنها در افغانستان و پاکستان که در تمام کشورهای اسلامی گروه های ارتجاعی اسلامی که بنامهای اخوان المسلمین، وهابی، القاعده، سلفی و غیره نامها معروف اند؛ در خدمت اهداف طبقات ارتجاعی فئودال و سرمایه دار کشورهای خود شان و سرمایه داری جهانی و امپریالیسم قرار دارند و علیه توده های خلق و نیروهای انقلابی مردمی و مترقی از هیچ جنایت و خیانتی ابا ندارند. در کشورهای اسلامی همه گروه های ارتجاعی مذهبی از آزادی فعالیت کامل و از حمایت رژیمهای حاکم و الطاف امپریالیستها برخوردارند و بطور گسترده این امکان برای آنها وجود دارد که در جامعه و در بین توده های خلق نا آگاه ایده ها و افکار و سیاستهای ارتجاعی و ضد انقلابی خود را تبلیغ و ترویج کنند. در حالیکه این امکان در کمترین سطحی برای نیروهای انقلابی مردمی وجود ندارد و حتی برای سازمانهای مترقی و دموکرات نیز چنین امکانی محدود است. تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی مردمی و مترقی جرم شمرده می شود و فعالین جنبشهای انقلابی پرولتری در این کشورها بنام " ملحد و کافر" به مجازات سنگین مواجه می شوند. البته نه تنها در کشورهای اسلامی که در همه کشورهای تحت سلطه امپریالیسم گروه های ارتجاعی مذهبی مختلف از آزادی عمل و فعالیت سیاسی و مذهبی برخوردارند. و در همه کشورهای جهان گروه های ارتجاعی مذهبی و " غیر مذهبی" بازوی قدرت مند امپریالیسم و طبقات ارتجاعی اند.

امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و متحدین آنها طی دوازده سال صدها میلیارد دلار را زیر عنوان "جنگ علیه تروریستهای اسلامی" مصرف ارتشهای شان در افغانستان کرده اند و طی این مدت با شدت تمام برای اغوای خلقهای کشورهای شان که این همه پول از حاصل دست رنج آنها پرداخته می شود؛ از "خطرات تروریسم اسلامی" و جنگ علیه آنها پروپاگند کرده اند؛ ولی طی دو سال اخیر از گروه های اسلامی در جهت تحقق نقشه ها و اهداف شوم شان در کشورهای شمال افریقا و شرق میانه استفاده کرده و زیر همین نام تازه به کشور مالی حمله نظامی کرده و خلق این کشور را آماج قراردادده اند. دولت های امریکا و انگلستان طی یک سال اخیر مذاکرات پنهانی را با رهبران طالبان به پیش برده و قرار است که برای طالبان دفتر نمایندگی سیاسی در کشور قطر افتتاح کنند. اینست ماهیت و کیفیت رابطه بین نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم جهانی. حمایت قدرتهای امپریالیستی از نیروها و گروه های ارتجاعی اسلامی در سطح جهان و یا گاهی برخوردها و تصادمات مقطعی بین آنها، هر دو ناشی از خصالت تضاد بین

امپریالیسم و این گروه های ارتجاعی است. از آن جایکه امپریالیسم وقماشهای مختلف ارتجاع دراستثماروستم برتوده های خلق جهان وسرکوب مبارزات آزادی خواهانه آنها منافع مشترک دارند وهردونیروی ارتجاعی وضدمردمی برای یک هدف کارمی کنند؛ اگرزمانی براساس تضاد منافع رودرروی هم قراربگیرند ویاعلیه همدیگرسلاح بکشند؛ ولی زمانی که منافع آنها اقتضانماید فوراً ترک"مخاصمت" کرده ودوریک دسترخوان می نشینند. وهمچنین زمانی احساس نمایند که جنبشهای انقلابی پرولتاری ارزشد وتکامل برخوردارند ومنافع امپریالیسم وطبقات ارتجاعی را تهدید می کنند؛ فوراً همه مخالفتها وتضادهای خودرا کنارگذاشته وبه سرکوب این جنبشها می پردازند. این گونه روابط هم بین قدرتهای مختلف امپریالیستی وهم بین قدرتهای مختلف امپریالیستی با طبقات، نیروها وگروه های ارتجاعی بخوبی مشهوداست.

پنج سال است که سرمایه داری جهانی وامپریالیسم دچاربحران ساختاری عمیقی شده است وتا حال چند تریلیون دلارازدارائیهای خلقهای کشورهای سرمایه داری را برای نجات بانکها وشرکتهای بزرگ ازسقوط حتمی هزینه کرده اند؛ ولی هنوزدورنمای ازرونق نسبی وبهبودی ازاین بحران به چشم نمی خورد. یکی ازدلائل مهم اینکه امپریالیسم جهانی به رشد نظامی گری وتوسعه طلبی اش افزوده است همین مسئله بحران ساختاری پنج سال اخیراست. همچنین درشرایط بحرانهای عمیق ودوام دار، سرمایه داری بیش ازهمه برطبقه کارگروسایرزحمتکشانش فشاروارد می کند. وبرای اینکه توده های خلق دربرابراین فشارها وتضییقاتی که صاحبان سرمایه برآنها وارد می کند، عکس العمل شدید وقاطع نشان ندهند ودست به مبارزه قاطعان علیه آنها نزنند، به بهانه های مختلف قوانین سخت گیرانه وضع می کند وآزادیهای مدنی وسیاسی طبقه کارگروسایرزحمتکشانش را محدود می نمایند. چون شاهرگهای حیاتی منافع کشورهای سرمایه داری امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه درآسیا، افریقا وامریکای لاتین وصل اند وخاصتاً که منابع وذخایربزرگ انرژی درکشورهای اسلامی موقعیت دارند وتسلط براین منابع وذخایرانرژی وکنترول برمعابروبنادر مهم دراین مناطق برای سرمایه جهانی وقدرتهای بزرگ امپریالیستی دررأس آنها امریکاحایزاهمیت فروان است. وحفاظت این منابع توسط نیروهای ارتجاعی اسلامی این کشورها که مالکیت خصوصی را تقدیس می کنند برای سرمایه جهانی مهم است. وعلاوتاً نیروهای ارتجاعی مذهبی بیش ازهمه دشمن سرسخت نیروها وجنبشهای انقلابی ومترقی اند ودرسرکوب وحمله برآنها وحشیانه ترازهرگروه ارتجاعی دیگری عمل می کنند؛ ازاینروگروه های ارتجاعی اسلامی مزدوربرای امپریالیسم وارتنجاع جهانی اهمیت ویژه دارند ودرشرایط کنونی جهان قدرتهای امپریالیستی خاصتاًامریکا درجهت تقویت جنبشهای ارتجاعی اسلامی تلاش می نمایند. طی دوسال اخیرامریکا ومتحدین آن به رشد جنبشهای اسلامی درشمال افریقا وشرق میانه کمکهای فراوان کرده اند. دراین مدت گروه های ارتجاعی اسلامی جنبشهای آزادی خواهانه خلقهای تونس

ومصر را از مسیر اصلی آنها منحرف کردند و مبارزات مسلحانه خلق لیبی را علیه دولت استبدادی و جنایتکار قذافی به کمک ارتشهای کشورهای امپریالیستی فرانسه، انگلیس و آمریکا و دیگر رژیم های ارتجاعی و ضد مردمی مانند قطر و عربستان سعودی تصرف کردند. همچنین طی حدود یک سال اخیرده ها گروه مسلح از نیروهای ارتجاعی اسلامی در جهت تحقق اهداف و سیاستهای امپریالیسم و طبقات ارتجاعی در سوریه می جنگند. این گروه های ارتجاعی وحشی هر جنبش انقلابی و مترقی را در این کشورها در نطفه خفه می کنند. نه تنها جنبشهای انقلابی پرولتری که جلورشده جنبشهای مترقی و دموکراسی خواه را هم سد می نمایند. این سیاهکاریهای ضدانقلابی و ضد مردمی کاملاً مطابق به نقشه ها و خواست امپریالیسم و طبقات ارتجاعی است. همچنین هدف دیگر امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائی آن از بسیج دوباره گروه های ارتجاعی اسلامی مسئله قدرتگیری حریفان امپریالیست آن، امپریالیسم فدراسیون روسیه و امپریالیسم چین است. آمریکا و متحدین آن در آینده به این گروه ها ضرورت دارند تا از آنها در جهت تقویت گروه های اسلامی در مناطق مسلمان نشین این دو کشور استفاده کنند.

همچنین کشتار، تجاوز، ویرانی و بربریتی که طی دو سال اخیر در سوریه بوسیله گروه های اسلامی علیه خلق مظلوم و بی دفاع سوریه جریان دارد توسط امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دولتهای ترکیه و قطر به حمایت دیگر دولتهای ارتجاعی و ضد مردمی در حوزه خلیج فارس این پاسداران منافع امپریالیسم در منطقه هدایت می شود. دولت مستبد و جنایتکار سوریه در سرکوب و کشتار خلق سوریه نیز از کمک و حمایت همه جانبه امپریالیسم فدراسیون روسیه، دولت امپریالیستی چین، دولت ارتجاعی و فاشیست ایران، دولت ارتجاعی عراق و گروه ارتجاعی اسلامی حزب الله در لبنان برخوردار است. هر دو جناح امپریالیستی و ارتجاعی چه آنها بیکه زیر نقاب "حمایت" از خلق سوریه در مبارزه آنها علیه دولت بشار اسد؛ بر ضد خواستههای سیاسی و منافع طبقاتی توده های خلق سوریه عمل کرده و مصروف سرکوب و کشتار خلق سوریه هستند و هم جناح دولت سوریه و حامیان آن که در جهت حفظ منافع طبقاتی جناحی از طبقات ارتجاعی حاکم سوریه و امپریالیسم به سرکوب و کشتار خلق سوریه ادامه می دهند. آنچه که طی حدود دو هفته اخیر در کشور مالی اتفاق افتاده است بخشی از استراتژی جهانی و اهداف غارتگرانه قدرتهای امپریالیستی به سرکردگی ابرقدرت امپریالیستی آمریکا است که زیر نام "جنگ علیه تروریسم اسلامی" آنرا به پیش می برند.

24 جنوری 2013

(پولاد)

